

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

نهم دسمبر 2011

جلوه ماه نو!!!

(طنز از گذشته ها)

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد
سر زلفش به دست غیر دیدم
نمی ماند قدم در شهر کهنه
به گرمی گفتمش افسانه دل
رفیق آمد، به پای یار سرماند
جوان کاکه را از من بگوئید
ندارد پول یک پو چکه در جیب
جهان بیدار گشت و مردم ما
به روز اول اشغال چوکی
که یکدم خانه ویرانه او
ندادم یک دو سه مهمانیش من
به چشم خویشتن دیدم که امر
به ترفیع هزاران نِق و فِق داشت
ازین گندم نمائی، جو فروشی
فضای شهر از بس خاکباداست

به خال هندویش، جانم گرو شد
جهان در چشم من یکباره شو شد
پریرویم — مقیم شهر نو شد
نشرمید، از خجالت زیر او شد
ندید الفت ازو، بیچاره دو شد
که دستارش چرا بیجا گرو شد
که آنهم صرف راه چکه پو شد
یکی بعد دگر افتاده خو شد
چنان مامور نو در تگ و دو شد
ز تادو تا به سقف خانه نو شد
به جانم امر شعبه ببو شد
به مادون بر سر رشوت گسو شد
ولی آخر به یک قورمه چلو شد
از آنچه کشته بود آخر درو شد
بچشم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفته های تلخ بگذر

نمی بینی که مردم ناشنو شد

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، 5 اسد 1330 ش)